

## بررسی چرایی باورمندی شیعیان امامی به توقیعات در غیبت صغری

علی جهانی فرد<sup>۱</sup>

حسین جهانی فرد<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳/۳/۱۴۰۱ تاریخ پذیرش: ۵/۵/۱۴۰۱

### چکیده

با شروع غیبت صغری و محدودیت جدی در ارتباط بین امام مهدی علیه السلام و شیعیان، غالب‌ترین شیوه مشورت‌طلبی، رفع نیازها و کسب تکلیف در زمینه‌های مختلف از امام، «توقیعات» بودند. مقبولیت و اعتبار توقیعات و عمل کردن به محتوای آن، مستلزم اطمینان شیعیان به توقیعات بود. عوامل و ریشه‌های اطمینان مردم به توقیعات، تکیه بر نشانه‌های روشن و شواهد واضحی بود که گذشت زمان و فاصله گرفتن از آنها، مخاطب را با سؤالاتی مواجه کرد. به نظر می‌رسد عوامل گوناگونی مانند: آشنایی علماء با خط توقیعات؛ ارائه و ویژه‌داشت بسیاری از توقیعات توسط وکلای اصلی و فرعی؛ تأیید و تصدیق بزرگان نسبت به توقیعات؛ برخورداری توقیعات از علم ویژه و تحقق آنها؛ موافقت محتوای توقیعات با متن دین؛ سبب باورمندی شیعیان به توقیعات و تصدیق صدور آنها از امام مهدی علیه السلام شده است.

### واژگان کلیدی

توقیعات امام مهدی علیه السلام، وکلای اربعه، علم ویژه، غیبت صغری.

### مقدمه

با آغاز غیبت صغری، مشاهده مستقیم و درک حضوری امام مهدی علیه السلام برای شیعیان ناممکن یا بسیار حداقلی گشت. تنها راه ارتباطی شیعیان با امام مهدی علیه السلام، اشخاصی به عنوان وکلای اربعه بودند که پرسش‌ها و درخواست‌های شیعیان را به امام انتقال می‌دادند.

۱. سطح چهار حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول) (ali.j.f.110@gmail.com).

۲. سطح چهار حوزه علمیه قم (hj.f.135@chmail.ir).

امن‌ترین، غالب‌ترین و در دسترس‌ترین روش انتقال، نوشتن نامه‌هایی بود که از طریق وکلای اربعه و در برخی موارد افراد دیگری به عنوان وکلای فرعی به دست امام می‌رسید و امام مهدی علیه السلام در مقام پاسخگویی، توقیعی را صادر کرده و به پاسخ، هدایت و رفع مشکلات شیعیان و مخاطبان می‌پرداختند.

«توقیعات» جمع «توقیع» و از ریشه‌ی وقع است که به معنای پرتاب کردن تیر به هدفی نزدیک چنان‌که آن را بر هدف می‌گذارند و همچنین اثر چهار شتر بر پشت حیوان است (فراهیدی، ج ۲، ۱۷۷) پس توقیع به معنای اثر گذاشتن بر چیزی است. برای همین به کتابت و نامه‌نگاری نیز توقیع گفته می‌شود؛ چرا که در نتیجه این عمل، قلم بر بروی کاغذ اثرگذار می‌شود. گاهی این واژه (توقیع)، علاوه بر اصل کتابت نامه، به عمل کاتب در حذف زواید نامه نیز اطلاق می‌شود. در موارد متعددی، به معنی آنچه سلطان و رئیس بر سر نامه یا پشت آن در جواب نویسنده، نویسند و یا جواب حکمت‌آمیز حاکم یا پادشاه به پرسش یا جواب دادخواهی کسی به کار رفته است (جباری، ۱۳۸۱: ش ۳).

توقیع، اصطلاحی در فرهنگ شیعی به معنای مکاتبات و منشورهای امامان به ویژه حضرت ولی عصر علیه السلام است که به هرگونه سخن شفاهی امام عصر علیه السلام نیز اطلاق شده است. این واژه نخستین بار در روایتی از امام کاظم علیه السلام دیده شده و در دوران امام رضا علیه السلام برای یادداشت‌هایی که در یک نوشته اصلی نگاشته می‌شده، به کار رفته است و به یادداشت‌های مستقل امام زمان علیه السلام که به پرسش مسبوق نبوده‌اند، نیز گفته شده است. این واژه درباره احادیث غیرمکتوب آن حضرت هم به کار رفته است (ر.ک: شبیری زنجانی، ۱۸۳: سراسر متن). استعمال واژه توقیع، غالباً مربوط به مکاتبات «ناحیه مقدسه» در عصر غیبت صغری است و چه بسا توقیعاتی - به خصوص از سوی ناحیه مقدسه - صادر شده و مسبوق به سؤال یا درخواستی نیز نبود (جباری، ۱۳۸۱: ش ۳).

بنابر مطالب یادشده، توقیع، به نامه‌هایی اطلاق می‌گردد که از سوی امام مهدی علیه السلام برای گروه یا افرادی خاص صادر می‌شده و در بردارنده موضوعاتی گوناگونی بوده است. این نامه‌ها یا ممه‌ور به مهر ایشان بوده و یا امام در همان نامه، پاسخ به پرسش داده‌اند و یا بدون پرسش پیشین، توقیعی صادر کرده‌اند.

## پیشینه پژوهش

درباره توقیعات آثار ارزشمندی نگاشته و منتشر شده است. مجموعه توقیعات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در کتابی به نام *موسوعة توقیعات الامام المهدي* توسط محمدتقی اکبرنژاد جمع‌آوری و تدوین گشته است. مقالاتی مرتبط با توقیعات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز تألیف شده است که از آن جمله می‌توان به «نقش و جایگاه توقیعات در عصر غیبت صغرا» (محمدرضا جباری)، «درآمدی بر شناخت توقیعات» (محمد مهدی زکلی) «دائرة المعارف بزرگ اسلامی مدخل توقیع» (محمد جواد شبیری زنجانی)، «ماهیت‌شناسی توقیعات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» (غلامرضا صالحی)، «چالش‌های حجیت صدور روایات و توقیعات ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوره غیبت کبرا» (سعید توکلی‌زاده)، «الشیخ المفید و التوقیعات الصادرة عن الناحية المقدسة بين الأخذ و الرد» (محمد الغروی)، اشاره نمود. اما متأسفانه پژوهش‌های یادشده، از نظرگاه چگونگی و چرایی باورپذیر شدن شیعیان نسبت به توقیعات نگرسته نشده است. این تحقیق درصدد بررسی توقیعات از این منظر خواهد بود.

## طرح مسئله

از جمله راه‌های ارتباط امامان معصوم علیهم‌السلام پیشین نیز با شیعیان، توقیعاتی بوده که توسط وکلا به مردم می‌رسیده است که این خود نشانگر پیشینه این شیوه در بین ائمه و عدم اختصاص آن به دوران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد. با این وجود در عصر غیبت صغری، به سبب خفقان شدیدتر نسبت به دوران امامان پیشین و آماده‌سازی برای قطع ارتباط عمومی بین امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و شیعیان، استفاده از این روش، راهبردی‌تر، ضروری‌تر و گسترده‌تر می‌نمود. با این حال، برخی از شبهه‌افکنان مانند ناصر القفاری به شبهه پراکنی دربارهٔ وکلای اربعه و توقیعات پرداخته‌اند. آنها، نخست، این شبهه را مطرح کرده‌اند که منصب وکالت، در عصر غیبت صغری توسط مدعیانی که ادعای ارتباط با امام را داشته و برای مطامع شخصی و جمع‌آوری اموال شرعی شیعیان، ایجاد شده است. در ادامه نیز شبهه ساختگی بودن توقیعات توسط مدعیان نیابت را مطرح کرده‌اند؛ به این بیان که مدعیان نیابت، توقیعاتی را از نزد خود و منسوب به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیرون آورده و به مردم عرضه می‌کردند تا مردم گمان کنند آن توقیعات از طرف غائب منتظر صادر گشته است (قفاری، بی تا: ۱۰۱۳).

نگارنده، پاسخ شبهه نخست را در مقاله‌ای جداگانه نگاشته است.<sup>۱</sup> این نوشتار با بیان شواهد تاریخی و روایی، به نادرستی شبهه دوم پرداخته و با این نظر همسو شده که پیش از این توقیعات از سوی امامان پیشین برای شیعیان صادر می‌شده است و در برخی موارد حلقه وصل امام معصوم با شیعیان، مکاتباتی بوده است که بین آنها صورت می‌پذیرفت. با این حال، با این‌که شیعیان به دلایل مختلف از جمله فضای امنیتی و تقیه شدید برای حفظ جان امام و خود، امکان دیدار و مشاهده امام مهدی علیه السلام را نداشتند، دلائل اعتماد به توقیعات چه بوده است که با اطمینان در صدور و صادرکننده آن، به محتوای آن عمل می‌کردند؟ این اعتماد، گویای آن است که فرآیند انتقال توقیعات به شیعیان دارای نشانه‌هایی است که صحت انتساب آنها به امام مهدی علیه السلام را تأیید کرده و شیعیان با عنایت به آنها دچار شک و شبهه نمی‌شدند.

در ادامه مهم‌ترین شواهد تاریخی و روایی، برای روشن ساختن چرایی باورمندی شیعیان امامی به توقیعات صادر شده از ناحیه امام در غیبت صغری را برمی‌رسیم:

#### ۱. آشنایی علماء با خط توقیعات

از جمله شواهد و دلایلی که موجب اعتماد و آرام بخشی دل شیعیان نسبت به توقیعات می‌شد، آشنایی علماء با خط توقیعات بود. این آشنایی محصول عواملی است که از مدیریت معصومین علیهم السلام به وجود آمده بود. توقیعاتی که در دوره شصت و نه ساله از سوی امام مهدی علیه السلام صادر شد، دارای ویژگی‌هایی است که نه تنها برای بزرگان و علمای آن دوره شواهدی روشن برای صدورش وجود داشته؛ بلکه چون از همان دوران در کتب محدثان موثق و علمای محقق ثبت و ضبط شده بودند، برای مخاطبان بعد از غیبت صغری تا به امروز نیز می‌تواند شاهدهی یقین‌آور بر صدورش از ناحیه مقدس امام مهدی علیه السلام باشد. در روایاتی مانند روایت عبدالله بن جعفر حمیری بر این موضوع تصریح شده است (طوسی، ۱۴۲۵ق: ۳۶۲).

در این‌که نگارش و نویسندگی توقیعات و مخطوطات مندرج در آنها، آیا به دست شخص امام مهدی علیه السلام صورت می‌پذیرفته یا این‌که توسط کاتبی به رشته تحریر درمی‌آمد، دو دیدگاه وجود دارد: برخی بر این باورند که شخص بزرگوار امام مهدی علیه السلام شخصاً مبادرت به نوشتن

۱. جهت مطالعه پاسخ ر. ک: «واکاوی چرایی باورمندی شیعیان امامی به وکلای اربعه در غیبت صغری»، علی جهانی فرد و دیگران، فصل‌نامه مشرق موعود، شماره ۶۰.

آنها کرده است (امینی، ۱۳۸۳ش: ۱۳۲) و برای سخن خود شواهدی از روایات نیز عرضه می- کنند که از جمله آنها می توان به روایت محمدبن عثمان اشاره کرد که فرمود:  
از ناحیه مقدسه توقیعی صادر شد که خطش را خوب می شناختم (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۸۳).

برخی دیگر نیز بر این باور هستند که توقیعات به خط مبارک امام مهدی علیه السلام نوشته نمی- شد؛ بلکه از سوی کاتب، مورد نگارش قرار می گرفت (طوسی، ۱۴۲۵ق: ۳۶۲).

با توجه به آنچه در برخی از منابع کهن، درباره امام مهدی علیه السلام می خوانیم - که خط نامه ها و توقیعات آن حضرت، عیناً شبیه خط پدر بزرگوارشان بوده است - می توان نتیجه گرفت که توقیعات «ناحیه مقدسه» نیز غالباً به خط شریف امام بوده است (جباری، ۱۳۸۱: ۹). عناوینی مانند «بِحَطِّ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ»، «بِحَطِّ أَعْرَفِهِ»، «كَتَبْتُ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ علیه السلام... فَكَتَبَ» (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۸۳)، «بِحَطِّ مَوْلَانَا صَاحِبِ الدَّارِ» (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۹۰)، «بِحَطِّهِ» (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۸۵)، نشان از شناخت و معرفت اصحاب و علماء نسبت به خط شخصی امام مهدی علیه السلام دارد. با این حال در موارد کمتری که شخصی دیگر نویسنده توقیع می شد، باز برای خبرگان و علما شناخته شده بود و با آشنایی از دست خط های مختلف، خط امام از غیر امام تشخیص داده می شد. نمونه آن گزارش احمدبن داود است که توقیعی را به خط احمدبن ابراهیم و املائی حسین بن روح به دست می آورد «وَجَدْتُ بِحَطِّ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ التَّوْبَخْتِي وَ إِمْلَاءِ أَبِي الْقَاسِمِ الْحُسَيْنِ بْنِ رَوْحٍ» (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۷۳). فشرده مطلب این که توقیعات غالباً به خط شریف امام نوشته می شده و در مواردی نیز توسط کاتب و شخص دیگر که البته همراه با نظارت حضرت بوده، نگاشته می شد. آنچه مهم جلوه می نماید شناخت علماء با خطوط مختلف و نویسندگان آنها و تمایز توقیع با خط امام از توقیع با خط کاتب یا شخص دیگر است. همین شناخت اصحاب و علماء نسبت به خط و نامه امام مهدی علیه السلام، مندرجات آن نامه ها، سبب باورمندی شیعیان به توقیعات می گشت، آنها را از ناحیه مقدسه می دانستند و مورد قبولشان واقع می شده است. این اعتماد به گونه ای شکل گرفته بود که شیعیان در موارد اختلاف برانگیز، با نمایندگان مورد اعتماد، مکاتبه می کردند و پس از صدور پاسخ، تسلیم آن می گشتند. حتی گاهی که در صحت صدور بعض توقیعات شک می کردند، باز هم حل اختلاف را به عهده مکاتبه می گذاشتند (طوسی، ۱۴۲۵ق: ۳۷۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۳، ۱۵۰). اگرچه این تشکیک شیعیان که بنابر گزارشات بیش از دو بار نبوده، بی اعتمادی به توقیعات نبوده

بلکه سابقه و اعتبار طرف مقابل توقیعات، یعنی اشخاصی مانند «احمد بن هلال» و «شلمغانی»، قابل توجه بوده که باعث تحیر شیعیان می شده و توانایی ترجیح یکی بر دیگری را نداشتند. لذا تأکید حضرت با فرستادن دوباره توقیعات به زایل شدن تحیر آنها انجامید.

خاستگاه آشنایی و اطلاع برخی از بزرگان شیعه و اصحاب با خط امام مهدی علیه السلام، آگاهی از ویژگی های و خصوصیات توقیعات و خط امام بود. بزرگانی چون احمد بن اسحاق قبل از این، برای رفع تحیر و قطع پیدا کردن به این که نامه از امام صادر شده است، خواستار نمونه خط از امام حسن عسکری علیه السلام شده بودند. امام نیز درخواست احمد بن اسحاق را با توضیحاتی پیرامون خط برای شناسایی، پاسخ مثبت دادند. به همین جهت است که خواص و بزرگان شیعه، آشنایی کامل با خط و نوشته های صادر از امام داشتند. احمد بن اسحاق گوید:

خدمت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام رسیدم و درخواست کردم چیزی بنویسد که من خطش را ببینم تا هر وقت دیدم بشناسم. فرمود: بسیار خوب، سپس فرمود: ای احمد! خط با قلم درشت و ریز در نظرت مختلف مینماید، مبدا به شك اُفتی (اسلوب خط را ببین نه ریز و درشتیش را) آن گاه دوات طلبید و خط نوشت و مرکب را از ته دوات به سرش می کشید. وقتی می نوشت با خود گفتم: تقاضا می کنم قلمی را که با آن می نویسد، به من ببخشد، چون از نوشتن فارغ شد، با من حرف می زد و تا مدتی قلم را با دستمالش پاک می کرد، سپس فرمود: بگیر، ای احمد! و قلم را به من داد (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۱، ۵۱۳).

باید توجه داشت که از آن جایی که امامین عسکریین علیه السلام نیز در دوران خفقان و تقیه ای شدیدی به سر می بردند، برای ارتباط و پاسخ به پرسش های مخاطبان و همچنین انتقال معارف به آنها، از طریق مکاتبه استفاده می کردند و اگر احمد بن اسحاق از امام حسن عسکری علیه السلام طلب می کند که نمونه ای از خط او را برای اطمینان به عدم تزویر و جعل برایش بنویسد، نشان از سابقه مکاتبه و نامه نگاری معصوم علیه السلام با مخاطبان دارد. بنابراین، از آن جایی که بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام توقیعاتی که صادر می شد دارای همان نشانه ها و ویژگی های گذشته بود و در واقع خط نامه ها و توقیعات آن حضرت، عیناً شبیه خط پدر بزرگوارشان بوده است (طوسی، ۱۴۲۵ ق: ۳۵۶)، برای احمد بن اسحاق شکی در صدور آنها از ناحیه مقدسه به وجود نمی آمد.

بدون شک حجت الهی به موجباتی که ایجاد باورمندی نسبت به توقیعات بکند، توجه داشته اند. لذا با عنایت به مدیریت امام مهدی علیه السلام در دوران غیبت صغری به این مهم خواهیم رسید که استفاده از همین روش یعنی انتقال توقیعات با همان خطی که در دوران

عثمان بن سعید صادر می‌شد، در زمان وکلای بعدی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. در خبری از عبدالله بن حمیری استفاده از این شیوه در زمان وکالت محمد بن عثمان، وکیل دوم، گزارش شده است.

هبة الله بن محمد از مشایخ خودش نقل کرده که ایشان گفته‌اند:

... و توقیعات حضرت پیرامون امور مهم مردم، به دست او و با همان خطی که در زمان حیات پدرش (عثمان) از ناحیه حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه له خارج می‌شد، می‌آمد و شیعیان در مسئله سفارت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه له غیر او را به رسمیت نمی‌شناختند و به کسی غیر از او مراجعه نمی‌کردند (طوسی، ۱۴۲۵ق: ۳۶۲).

استفاده از این روش، اطمینان و خاطر جمعی به مخاطب می‌داد که نوشته و نامه‌ای که به دست آنها رسیده است ساختگی نبوده؛ بلکه نوشته‌ها از سوی امام نگارش می‌شده است. اگرچه عقلانی به نظر می‌رسد که امکان جعل وجود داشته است؛ ولی این که کسی توانایی انجام این کار را داشته باشد یا دست به چنین کاری زده باشد، هیچ گزارشی در این رابطه ذکر نشده است؛ چنان که اگر جعلی در نوشته‌ها و توقیعات، صورت پذیرفته بود، به خاطر حساسیت موضوع و شرایط سخت آن دوران و نظارت دقیق حضرت بر ارتباطات، باید خبری مبنی بر انجام این کار به دست ما می‌رسید، در حالی که می‌بینیم چنین نشده است. بنابراین، با توجه به آشنایی بزرگان و در ادامه آن دیگر شیعیان با خط توقیعات که موجب شد کسی نتواند خط توقیعات را جعل کند، اطمینان و اعتماد شیعیان به صدور توقیعات از ناحیه مقدسه حاصل می‌شد.

## ۲. ارائه بسیاری از توقیعات توسط وکلای اصلی و فرعی

یکی دیگر از نشانه‌های اصلی و عمده باورمندی شیعیان به توقیعات، این بود که بسیاری از توقیعات توسط اشخاصی به نام وکلای اصلی و فرعی به مردم عرضه می‌شد که از جهات مختلفی اطمینان و اعتماد بالای شیعیان را کسب کرده بودند. مثلاً باورمندی شیعیان نسبت به وکلای اربعه از آن جهت که از راه‌های گوناگونی ثابت گشته بود و به عبارتی، وکلاء امتحان خود را نزد شیعیان به خوبی پس داده بودند، سبب می‌شد که اگر نامه‌ای منسوب به امام از طریق این افراد به شیعیان عرضه گردد، کسی بدگمانی به صدق صدور آن نداشته باشد و بدون خدشه در انتساب صدور آن از ناحیه مقدسه، آن را بپذیرد. این، روشی است عقلایی و منطقی که اگر کسی که در نظرگاه مردم در اثر عوامل مختلفی، از وجاهت و مقبولیتی چشمگیر بهره‌مند

باشد، به‌گونه‌ای که هیچ کس، دروغ یا اشتباهی و یا خلائی از او سراغ نداشته باشد، همه گفتار او مورد پذیرش خواهد داد و به تمام سخنان او اعتماد و اطمینان خواهند کرد. در این جا لازم است که به طور اختصار، به بازبینی راه‌ها و نشانه‌هایی که باعث اطمینان شیعیان به وکلای اربعه شده بود، پرداخته شود تا روشن گردد حاصل و پیامد اطمینان به وکلاء، منجر به باورمندی نسبت به توقیعات می‌شد.<sup>۱</sup>

#### الف) تأیید امامین عسکریین و معرفی وکیل پسین توسط وکیل پیشین

عامل دیگر باورمندساختن شیعیان به وکلاء، تأییدیه‌هایی است که از سوی امامین عسکریین علیهم‌السلام نسبت به دو وکیل اول یعنی عثمان بن سعید و فرزندش محمد بن عثمان صورت گرفته بود. در گزارش‌های پرشماری این تأییدیه انعکاس داده شده و در جلسات خصوصی و عمومی بزرگان و جمعی از علماء و حتی در عموم شیعیان اطلاع‌رسانی شده که عثمان بن سعید و پسرش محمد، دو وکیل امین امام بوده و مورد وثوق و اطمینان ایشان هستند (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ۱۲۵؛ طوسی، ۱۴۲۵ق: ۳۵۴-۳۵۵) وکلای بعدی نیز توسط وکیل قبلی معرفی شدند. این روش، از آن جهت که پیش از این، از راه‌های مختلف، حقانیت و راستی ادعای وکالت قبلی ثابت شده بود، می‌توانست راهی مناسب بلکه طریقی بسیار متیقن و مطمئن برای معرفی نماینده امام مهدی علیه‌السلام باشد. کاریست چنین شیوه‌ای، افزون بر این که اجرایی کردن روش عقلا بود، می‌تواند برگرفته از الگوی رفتاری حضرات معصومین علیهم‌السلام در معرفی و اثبات حقانیت و امامت امام بعدی باشد.

#### ب) صدور علم ویژه و تکلم به زبان‌های دیگر

بعضی مواقع، وکلای اربعه برای باورمند ساختن شیعیان به صدق ادعایشان، دست به اموری می‌زدند که فقط از عهده امام برمی‌آمد. خبر دادن از زمان فوت برخی اشخاص و اموری که در آینده به وقوع می‌پیوست و دیگران از آن اطلاعی نداشتند یا موضوعاتی که مخاطب فقط، آن را در ضمیر و قلب خود پنهان داشته و با کسی بازگو نکرده بود (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ۶۵۶) توسط وکلاء، سبب افزایش اعتماد و اطمینان بزرگان به آنها می‌شد (طوسی، ۱۴۲۵ق: ۳۹۴). مواجهه وکلای اربعه امام مهدی علیه‌السلام با برخی شیعیان که با غیب‌گویی وکلاء همراه بود،

۱. جهت مطالعه تفصیلی ر. ک: «واکاوای چرایی باورمندی شیعیان امامی به وکلای اربعه در غیبت صغری»، علی جهانی فرد و دیگران، فصل‌نامه مشرق موعود، شماره ۶۰.



در گزارشات متعددی نقل پیدا کرده است (طوسی، ۱۴۲۵ق: ۳۹۵). همچنین وکلاء در مواردی، اقدام به تکلم به زبان مخاطب می‌کردند؛ با این که هیچ گزارشی مبنی بر سفر وکیل به منطقه مخاطب و آموختن زبانش یا ارتباط داشتن وکیل با شخص یا اشخاصی که از اهالی آن منطقه، وجود ندارد (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۵۰۳). بنابراین می‌توان به درستی نتیجه گرفت که چنین ظرفیتی را از معصوم برای اثبات حقانیتش أخذ کرده است یا معصوم در اختیار او قرار داده است.

### ج) نظارت امام بر وکلاء و شناساندن مدعیان

امام با نظارت دقیق و مواظبت سنجیده، نسبت به فعالیت‌های تمام وکلاء به ویژه وکلای اربعه، سبب جلوگیری از انحراف و انحطاط در سطح عموم شیعیان می‌شدند. در حقیقت این رویکرد به شیعیان و مخاطبان إلقاء می‌کرد که اگر خطایی و انحرافی از سوی وکلاء صادر گردد یا حتی اگر وکلاء به دروغ، ادعایی را داشته باشند، باید از سوی ناحیه مقدسه عکس‌العملی صورت بگیرد و مخاطبان را از آن مطلع سازد (مفید، ۱۳۷۲ش: ج ۲، ۳۵۹؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۴۴۷). تجهیز، دفن و کفن امام حسن عسکری علیه السلام توسط عثمان بن سعید (طوسی، ۱۴۲۵ق: ۳۵۶) با وجود مدیریت و نظارت کامل امام مهدی علیه السلام، بیانگر آن بود که اگر قرار بود کسی غیر از ایشان این امور را انجام دهد باید نهی‌ای یا واکنشی صریح از سوی امام مهدی علیه السلام صورت می‌گرفت؛ همان‌گونه که برای نماز خواندن بر پیکر مطهر امام حسن عسکری علیه السلام نسبت به کنار زدن جعفر، عمومی خود انجام دادند (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۷۵). این عمل عثمان بن سعید باعث تقویت و افزایش اعتماد شیعیان به او می‌شد. سوی دیگر نظارت بر وکلاء، مبارزه با مدعیان دروغین نیابت یا وکالت و رسوا نمودن آنها از جمله احمد بن منصور حلاج (طوسی، ۱۴۲۵ق: ۴۰۱) و احمد بن هلال بود. با برخورد و مقابله با افراد مدعی، این اطمینان برای مردم حاصل می‌شد که امام با مدیریت فعال خود، بر رفتار و عملکرد اجتماعی افرادی که در جریان فکری اجتماع مؤثر هستند، نظارت جدی دارد. بنابراین، این نوع نظارت، ضریب اطمینان و جلب اعتماد مردم را نسبت به وکلای اربعه و سازمان وکالت و حقانیت افراد منسوب به امام مهدی علیه السلام بالا می‌برد.

### د) شهره بودن وکلا به پارسایی و درستکاری

از جمله عواملی که باعث اعتماد و اطمینان مخاطبان نسبت به وکلای اربعه می‌شد، این

بود که در کلام و رفتار آنها، چیزی مخالف شریعت و دین اسلام صادر نمی شد؛ بلکه درست کاری و پارسایی و عملکرد مناسب رفتاری نمایندگان امام در تمام عمرشان (قبل و بعد از وکالت) شهره بود. همه شیعیان معترف و متفق به عدالت و امانت ایشان بودند. اتفاق علمای شیعه نیز بدون هیچ اعتراض و شکایتی در مورد وکلاء، علامتی روشن بر بزرگی و درستی آنها است. تا جایی که در گزارشی از نوادگان محمد بن عثمان اعلام شده که شیعیان اختلافی در عدالت و امین بودن وکلاء نداشتند و اطمینان کامل نسبت به همه آنها برای شیعیان ایجاد شده بود (طوسی، ۱۴۲۵ق: ۳۶۲).

### ۳. تأیید بزرگان نسبت به توقیعات

بزرگان، علماء و خواص، به عنوان راهبران دینی، سبب هدایت فکری و اعتقادی مردم هستند و مردم با نظر به رهبران خویش، سبک زندگی خود را ترسیم می کنند (اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۲۱؛ مظفر نجفی، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ۱۶). انتخاب و اختیار هر مسیری توسط بزرگان و خواص، تبعیت و دنباله روی مردم را در پی خواهد داشت. با این بیان، در جهت سرعت اطمینان سازی به توقیعات، لازم می نماید علماء و سرشناسان که در علم و تقوا بین شیعیان مطرح بودند، اِقتناع و مطمئن گشته تا در ادامه باعث جلب اعتماد عموم شیعیان نیز گردد. مردم با مشاهده عرضه و ارائه توقیعات در منظر علماء و بزرگان دین و عدم مخالفت و انکار آنها نسبت به توقیعات، اعتماد به نامه هایی که از محضر امام مهدی علیه السلام برای شیعیان صادر می شد، صورت می گرفت. اگر واکنش تند یا تکذیبی از سوی بزرگان نسبت به توقیعات انجام می پذیرفت، بی اعتمادی در باور شیعیان شکل می گرفت و کسی اقدام به نوشتن نامه به محضر امام مهدی علیه السلام نمی کرد تا چه رسد پیگیر پاسخ آن از سوی ناحیه مقدسه باشد. برخی توقیعات در منظر بزرگانی مانند احمد بن اسحاق که خود از اصحاب امام هادی و امام عسکری علیه السلام و نیز آشنای به خط توقیعات بودند، عرضه می گشت که همین امر، قلب شیعیان را باوری عمیق می بخشید.

بسیاری از مواقع توقیعات از سوی بزرگان و خواص، بازگو و تحدیث می شد که منجر به ایمان شیعیان به توقیعات می شد (طوسی، ۱۴۲۵ق: ۳۶۲). از جمله اشخاص مورد وثوق و قابل اعتماد می توان به محمد بن ابراهیم مهزیار اهوازی که از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام بود (طوسی، ۱۳۷۳ش: ۴۰۲) و ابراهیم بن محمد همدانی و احمد بن حمزه بن یسع اشاره نمود. در گزارشی که نام این افراد ذکر شده، به صراحت بیان می کند که توقیعات به وسیله

شماری از ثقات و معتمدان خارج می‌شد. در نتیجه مردم با اعتماد به آنها، صدور توقیعات را صحیح می‌دانستند. برای نمونه شیخ طوسی در همین باره می‌نویسد:

در روزگار سفیران ستوده، مردانی معتمد بودند که توقیعات از سوی منصوب شدگان به سفارت، به آنها می‌رسید، مانند ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی «که خدا او را رحمت کند» (طوسی، ۱۴۲۵ق: ۴۱۵).

#### ۴. برخورداری توقیعات از علم ویژه و تحقق آنها

یکی از معیارهای تشخیص امام از غیر امام، داشتن علم ویژه و آگاهی به رازهای پنهان و امور مخفی است. به عبارتی برخورداری از علم ویژه که از شئون امام است نه افراد عادی، نشانگر آن است که اگر کسی یا چیزی چنین ظرفیتی را به همراه داشته باشد، امام یا منسوب به امام است. بنابراین از جمله نشانه‌ها و ریشه‌های اساسی و مهمی که سبب باورمندی شیعیان به توقیعات می‌شد، برخورداری توقیعات از اخبار و علوم ویژه است. به عبارتی، براساس گزارش‌های پرشماری که در منابع روایی معتبر وجود دارد، امام مهدی علیه السلام به وسیله برخی از توقیعات از رازها و امور پنهانی و آنچه مخاطبان پرسش‌کننده در قلب و ضمیر خود داشتند، خبر می‌دادند. این امر زمینه اطمینان به توقیعات و باور یقینی به صدق صدور آنها از ناحیه مقدس امام مهدی علیه السلام را به وجود آورده بود. از نمونه‌های اخبار به امور غیبی در توقیعات می‌توان به گزارش نصر بن صباح اشاره نمود. وی در این باره می‌گوید:

مردی از اهالی بلخ پنج دینار توسط حاجزی فرستاد و نامه‌ای نوشت و نام خود را در آن تغییر داد. رسیدی به نام و نسب وی به همراه دعای خیر برایش صادر شد (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۸۸).

اخبار از غیب در توقیعات در برخی مواقع، با توجه به سر و رازی که فقط مخاطب از آن باخبر بود و دیگران از آن هیچ اطلاعی نداشتند، صادر می‌گشت (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۹۲). در برخی توقیعات نیز، از اموری پیشگویی می‌شد که حتی خود مخاطب نیز از آن اطلاع نداشت. بلکه از اموری بود که با گذشت زمان و تحقق آن امر غیبی، راستی سخن امام در توقیعات مشخص می‌شد. یکی از این موارد، نوشته‌ای است که در آن، از زمان دقیق وفات علی بن زیاد صیمری خبر داده شده است. این توقیع در پاسخ به درخواست صیمری صادر گشت که از امام تقاضای کفن نموده بود (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ۶۷۴). اخبار از پسر دار شدن و آگاهی دادن از تعداد آنها و وعده به آزادی زندانی مدّ نظر محمد بن صالح، همگی خبرهای غیبی در توقیعی

است که امام مهدی علیه السلام خطاب به محمدبن صالح بیان فرموده است و جالب‌ترین که در حق او به وقوع پیوست. محقق شدن خبرهای غیبی، اعتماد و باور یقینی مخاطبان را به توقیعات در پی داشت (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۸۹).

نکته جالب آن‌که در بسیاری از موارد، شیعیان اقدام به امتحان و اعتبارسنجی و کلاء و توقیعات می‌کردند. این روش مرسوم و متداول شیعیان در نوشتن توقیعات، به این صورت بود که بدون این‌که از مرکب استفاده کنند، فقط با قلم بر روی کاغذ می‌نوشتند. البته ناگفته روشن است که نوشتن روی کاغذ بدون مرکب باید بدون فشار دادن قلم بر روی کاغذ صورت پذیرد؛ چرا که با فشار نوشتن بر روی کاغذ به صورتی که نوشته‌های آن قابل مشاهده باشد، کاری لغو می‌بود. این در حالی است که غرض اصلی از این شیوه نوشتن، آن بود که کسی که نامه را دریافت می‌کند اگر حقیقتاً امام باشد باید بوسیله علم غیبی که دارد بتواند بر مطالب آن اطلاع یافته و متناسب با آن پاسخ بنویسد. این طریق، نشانگر آن نیز خواهد بود که وکلای اربعه یعنی واسطه‌های اتصال امام با مردم، حقیقتاً با امام مهدی علیه السلام در ارتباط می‌باشند. با پاسخ‌های درست و مناسبی که از سوی امام در جواب چنین توقیعاتی صادر می‌گشت، اطمینان و اعتماد به توقیعات عمیق‌تر و گسترده‌تر می‌شد. در این باره آمده است:

ابن ابی‌غانم قزوینی با شیعیان مشاجره می‌کرد و می‌گفت: امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی نداشته است. شیعیان نامه‌ای به ناحیه مقدسه نوشتند و مرسوم‌شان چنین بود که نامه‌ها را با قلم بدون مرکب بر کاغذ سفید می‌نوشتند تا علامت و معجزه‌ای باشد. پس جواب‌شان از ناحیه مقدسه صادر گشت (عاملی نباطی، ۱۳۸۴ق: ج ۲، ۲۳۵).

بنابر مطالب یاد شده باید گفت امام مهدی علیه السلام به شیوه‌های مختلف با بیان حقایق پنهانی و اخبار از غیب در توقیعات، به اثبات صحت امامت و راستی صدور توقیعات از ناحیه مقدسه، اقدام کرده است تا با ایجاد اطمینان بالا برای طالبان حقیقت، تردیدی برجا نماند.

##### ۵. عدم مخالفت محتوای توقیعات با قرآن و سنت

به نظر می‌رسد که یکی از عوامل اطمینان شیعیان و بزرگان به توقیعات که شاید نتوان آن را دلیلی مستقل بر شمرده و بلکه درست‌تر می‌نماید که به عنوان مؤیدی در کنار دیگر عوامل نقش-آفرینی کند، عدم مخالفت و بلکه مطابقت و موافق بودن محتوای توقیعات با متن دین یعنی عقاید و احکامی است که از قرآن و سنت معصومین: به دست شیعیان رسیده بود. با کنکاش در

مضامین توقیعات،<sup>۱</sup> آنچه جلوه‌گر خواهد شد، این است که امام مهدی علیه السلام در زمینه‌های پرشماری از کوچک‌ترین موضوع مانند خرید و فروش مغازه و غلام گرفته تا سئولات کلامی، تفسیری و فقهی، مورد پرسش، مراجعه و کسب تکلیف شیعیان قرار گرفته است که پاسخ‌های صادره از ناحیه مقدسه، همگی مبتنی بر دین حنیف اسلام و مذهب شیعه صورت پذیرفته است یا دست کم می‌توان ادعا نمود در هیچ گزارشی از منابع معتبر وارد نشده که پاسخ‌های حضرت به حسب محتوای نامه پرسش‌کننده، اشتباه و غلط بوده است. برخی از توقیعات که ناظر به احوال شخصی افراد مانند اقدام به فرزندآوری بود، که با برخورداری از غیب‌گویی و آگاهی دادن از جنس و تعداد آن، نشانه‌ای بر صدق صدور آن بود (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ۶۶۹)؛ برخی از توقیعات که در برابر پاسخ به مسائل و پرسش‌های کلامی، تفسیری و فقهی صادر می‌گشت (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۵۲۰-۵۲۲)، دارای پاسخ‌هایی متقن و مطابق بر مذهب شیعی بود که مخاطب را در صدور آن از معصوم به شک نمی‌انداخت. تطابق محتوای این نوشته با میراث علمی معصومین علیهم السلام گذشته، نشان از صدق صدور آن از ناحیه مقدسه می‌داد که بر همه مسائل مسلط بوده و هیچ پرسشی را نه تنها بدون پاسخ نمی‌گذاشت بلکه پاسخ‌های قاطعی را صادر می‌کرد که با آیات و روایات معصومین علیهم السلام و همچنین عقل تطابق کامل داشتند. از نمونه‌های تطابق محتوای توقیعات با شریعتی که از گفتار و سخنان معصومین علیهم السلام گذشته به دست شیعیان رسیده بود، می‌توان به توقیعی که در پاسخ به سؤالات فقهی محمدبن جعفر اسدی صادر شد، اشاره کرد. در بخشی از این توقیع نسبتاً طولانی، محمدبن جعفر از امام مهدی علیه السلام درباره شخص عبورکننده از باغی سؤال کرده که آیا می‌تواند از میوه آن در حال عبور استفاده کند. امام نیز در پاسخ جواز خوردن و حرام بودن بردن را یادآور می‌شود (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۵۲۰). این پاسخ دقیقاً مشابه فرموده امام صادق علیه السلام است که خوردن برای عبورکننده را مجاز دانسته و به همراه بردن را ممنوع شمرده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۳، ۱۸۰).

با واکاوی توقیعات، نمونه‌های فراوانی را می‌توان یافت که صدق ادعای گفته شده را ثابت می‌کند. پس به نظر می‌رسد با توجه به مطلب گفته شده، آنچه باعث دل‌آرامی و خاطرجمعی

۱. مجموعه توقیعات توسط برخی از محققین جمع‌آوری شده است که بهترین و کامل‌ترین آنها موسوعه توقیعات اثر محمدتقی اکبرنژاد است که راه را برای مطالعه و احاطه بر موضوعات و محتوای توقیعات، هموار نموده است.

شیعیان نسبت به توقیعات می‌شد، موافقت محتوای توقیعات یا عدم مخالفت آن با متن شریعتی است که توسط پیشوایان پاک و کتاب آسمانی قرآن به مردم رسانده شده بود.

### نتیجه‌گیری

این تحقیق به دنبال تبیین و احیای شواهد و نشانه‌های باورمندی شیعیان به توقیعات در دوران غیبت صغرای امام مهدی علیه السلام بود که بنابر مطالب گذشته، به نتایج ذیل دست یافت: عواملی مانند «آشنایی علماء و بزرگان شیعیان با خط توقیعات؛ ارائه توقیعات توسط وکلای اربعه و تأیید و تصدیق بزرگان دین نسبت به توقیعات؛ برخورداری توقیعات از علم غیب و محقق شدن آنها؛ مطابقت محتوای توقیعات یا عدم مخالفت با متن دین» سبب باورمندی شیعیان به توقیعات شده بود.

علماء نقش مؤثری در باورمندسازی شیعیان به توقیعات داشتند. چون در بسیاری از فرآیند انتقال توقیعات به شیعیان حضور فعال داشتند. دلیل آشنایی بسیار زیاد علماء و بزرگان شیعه با خط توقیعات، امکان دس در آنها و جعل شان برای کسی وجود نداشت؛ علاوه بر این که خبری مبنی بر تحقق جعل توقیعات در هیچ منبع روایی شیعه گزارش نشده است.

پیشگویی‌های صحیح در توقیعات سبب اطمینان و باورمندی شیعیان می‌شد. این پیشگویی‌ها، گاهی در متن توقیعات و در میان پاسخ‌ها و نوشته‌های امام به روشنی مشاهده می‌شد و گاهی در طریق وصول آنها که وکلای اربعه بودند، محقق می‌گشت.

هرکدام از عوامل مطرح شده سطوح مختلفی از معرفت و اطمینان را برای شیعیان حاصل می‌کرد و برخی از آنها معرفت‌دهی و اطمینان بخشی بالاتری را نسبت به دیگر عوامل برای مخاطب به همراه داشت؛ ولی باید توجه نمود که همه عوامل و تجمیع آنها در کنار هم، باعث اطمینان و اعتماد کامل شیعیان به توقیعات شده بود.

یکی از راه‌های پیشینه‌دار و مرسوم ارتباط‌گیری ائمه علیهم السلام با شیعیان از طریق مکتوبات و توقیعاتی بوده که برای آنها ارسال می‌کرده‌اند.

با توجه به نشانه‌ها و شواهد یاد شده که با مدیریت معصومین علیهم السلام به ویژه امام مهدی علیه السلام محقق شده بود، می‌توان با قاطعیت و عزمی راسخ گفت نه تنها توقیعات صادر شده، خروجی ذهنیات وکلای اربعه نیستند؛ بلکه از درجه اعتبار بالایی برخوردار و قابل اعتنا و اعتماد هستند.

## منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین وتمام النعمة*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، دوم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: جامعه مدرسین، دوم.
۳. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، تبریز: بنی هاشمی، اول.
۴. استادی، کاظم (۱۴۰۰ش)، «بازشناسی نویسندگان کتاب الاحتجاج، منسوب به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت کبری»، *نشریه انتظار موعود*، شماره ۳.
۵. اکبرنژاد، محمدتقی (۱۳۸۵ش)، *موسوعه توقیعات الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف*، قم: مسجد مقدس جمکران، اول.
۶. امینی، ابراهیم (۱۳۸۳ش)، *دادگسترجهان*، قم: شفق، اول.
۷. پورسیدآقایی، سیدمسعود (۱۳۸۳ش)، *تاریخ عصر غیبت (نگاهی تحلیلی به عصر غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف)*، قم: حضور، دوم.
۸. جباری، محمدرضا (۱۳۸۱ش)، «نقش و جایگاه توقیعات در عصر غیبت صغرا»، *نشریه انتظار موعود*، شماره ۳.
۹. جهانی فرد، علی و دیگران (۱۴۰۰ش)، «واکاوی چرایی باورمندی شیعیان امامی به وکلای اربعه در غیبت صغری»، *فصل نامه مشرق موعود*، شماره ۶۰.
۱۰. حسین، جاسم (۱۳۸۵ش)، *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف*، تهران: امیرکبیر، سوم.
۱۱. رکنی یزدی، محمد مهدی (۱۳۸۱ش)، *نشانی از امام غایب بازنگری و تحلیل توقیعات*، بی جا: بنیاد پژوهش های اسلامی، اول.
۱۲. شبیری زنجانی، محمدجواد (بی تا)، «دائرة المعارف بزرگ اسلامی - مدخل توقیع (۳)»، *نشریه دانش نامه جهان اسلام*، جلد ۸.
۱۳. صدر، محمد (۱۴۱۲ق)، *تاریخ الغیبة الصغری*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، اول.
۱۴. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد: نشر مرتضی، اول.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ق)، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران: دارالکتب الإسلامیة، سوم.
۱۶. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۲۰ق)، *فهرست کتب الشیعة وأصولهم وأسماء المصنفین و أصحاب الأصول*، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی، اول.

۱۷. طوسی، محمدبن حسن (۱۳۷۳ش)، رجال، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، سوم.
۱۸. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۲۵ق)، الغیبه، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، سوم.
۱۹. عاملی نباطی، علی من محمدبن علی بن محمدبن یونس (۱۳۸۴ق)، الصراط المستقیم إلى مستحقّی التقدیم، نجف: المكتبة الحیدریة، اول.
۲۰. قفاری، ناصر (بی تا)، اصول مذهب الشیعه الامامیة الاثنی عشریة؛ عرض و نقد، بی جا: انتشارات دارالارضیا.
۲۱. کارخانه ای، شیرین (۱۳۸۵ش)، نامه های امام زمان علیه السلام، قم: هنارس، اول.
۲۲. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۲۹ق)، الکافی، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، اول.
۲۳. کورانی، علی (۱۴۳۰ق)، المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، بیروت: دارالمرتضی، اول.
۲۴. لطیفی، رحیم (۱۳۹۲ش)، پرسمان نیابت و وکالت امامان معصوم علیهم السلام، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، اول.
۲۵. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، دوم.
۲۶. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۳ش)، دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، اول.
۲۷. مظفر نجفی، محمدحسن (۱۴۲۲ق)، دلائل الصّدق لنهج الحق، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول.
۲۸. نعمان، محمدبن محمد (۱۳۷۲ش)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: دارالمفید، اول.



